

## جهانی شدن اقتصاد و اثرات آن روی اشتغال

دکتر اسماعیل رمضانپور\*

تاریخ دریافت ۸۳/۲/۷ تاریخ پذیرش ۸۳/۶/۳۱

### چکیده

روند فزاینده وابستگی اقتصادی متقابل کشورهای جهان، به واسطه رشد تجارت فرامرزی، نقل و انتقال بین‌المللی سرمایه و تحولات اساسی فناوری، که به جهانی شدن اقتصاد شهرت یافته، مهمترین پدیده دهه اخیر بوده است. این پدیده در کنار فرصت‌های عظیمی که خلق کرده، نگرانی‌های زیادی را از جمله در زمینه اشتغال موجب شده است. در این مقاله رابطه بین جهانی شدن اقتصاد و سطح اشتغال (نرخ بیکاری) در هیجده کشور برای دوره زمانی ۲۰۰۰-۱۹۸۰ از طریق ابزار ضریب همبستگی و آماره t مطالعه و بررسی شده است. برای اندازه‌گیری کمی جهانی شدن اقتصاد از سه شاخص نسبت صادرات به GDP، سهم مصنوعات از صادرات و نسبت FDI به GDP استفاده شده است. براساس یافته‌های تحقیق، در مطالعه انفرادی کشورها، ضریب همبستگی در برخی کشورها دارای علامت منفی (عمدتاً کشورهای آسیای شرقی) و در برخی کشورها دارای علامت مثبت (عمدتاً کشورهای آمریکای لاتین) بوده است. در مطالعه همزمان کشورها، از طریق میانگین سری زمانی شاخص‌های جهانی شدن اقتصاد و نرخ بیکاری، علامت ضریب همبستگی در هر سه مورد منفی و برای شاخص سهم مصنوعات از صادرات معنی‌دار بوده است. همچنین همبستگی بین نرخ بیکاری و سرعت جهانی شدن اقتصاد، در چارچوب شاخص مرکب تعریف شده، مطابق انتظارات و در سطح معنی‌داری بوده است.

طبقه‌بندی JEL: F02.

**کلید واژه:** جهانی شدن اقتصاد، نسبت تجارت (صادرات) به GDP، نسبت FDI به GDP، سهم مصنوعات از صادرات، نرخ بیکاری، همبستگی.

\* دکتری اقتصاد از دانشگاه تهران، عضو هیأت علمی دانشگاه گیلان.

## ۱- مقدمه

تحولات اقتصاد جهانی در چند دهه گذشته به طور مشخص از حیث رشد محصول جهانی، تجارت بین‌الملل و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بسیار برجسته و محسوس بوده است. در اکثر سال‌های پس از جنگ جهانی دوم، نرخ رشد تجارت جهانی فراتر از نرخ رشد محصول جهانی بود. در فاصله ۱۹۸۰-۱۹۵۰، تجارت جهانی دارای نرخ رشد ۷/۵ درصد بوده است. در سال‌های ۸۳-۱۹۷۴، دوره‌ای که اقتصاد جهانی شدیداً تحت تأثیر شوک‌های نفتی و بحران بدهی بوده است نرخ رشد تجارت جهانی به ۳/۱ درصد کاهش یافت اما در فاصله ۱۹۸۹-۱۹۸۴ مجدداً رشد تجارت جهانی بهبود پیدا کرد و به سطح قبلی خود برگشت.<sup>۱</sup> رشد سریع و پایدار تجارت جهانی به این اشاره دارد که اقتصادهای ملی در بسیاری از کشورهای جهان به هم وابسته‌تر و بازتر شده‌اند. در طی سه دهه گذشته جریان دارایی‌های مالی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) نیز به سرعت افزایش یافته است. در طی دوره ۱۹۹۰-۱۹۸۵ نرخ رشد FDI تقریباً سه برابر رشد تولید ناخالص داخلی جهانی و صادرات جهانی بوده است. نرخ رشد آن از سال ۱۹۸۳ دو برابر نرخ رشد تجارت بین‌الملل بوده است. (جدول ۱- حقایق عیان شده جهانی شدن) جریان FDI از حدود ۱۰۰ میلیارد دلار در دهه ۱۹۶۰ به ۵۱۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰ و به ۱۶۴۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۰ افزایش یافته و مقدار آن در سال ۲۰۰۳ به بیش از ۷۰۰۰ میلیارد دلار برآورد می‌شود.<sup>۲</sup> این یافته‌ها بوضوح نشان می‌دهند که یکپارچه شدن اقتصاد جهانی از طریق FDI به‌ویژه در دهه نود تسریع یافته است.

رشد سریع تجارت جهانی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و جریان‌ات وسیع مالی در سطح بین‌المللی در طی دهه گذشته بستر اصلی «جهانی شدن» فزاینده اقتصاد جهانی بوده است. صندوق بین‌المللی پول جهانی شدن اقتصاد را به صورت وابستگی متقابل اقتصادی فزاینده کشورهای سرتاسر جهان به واسطه افزایش

1- ILO, World Employment 1995.

2- Paul Bailey, et al., 1993.

حجم و تنوع معاملات فرامرزی کالاها و خدمات و همچنین جریان بین‌المللی سرمایه و انتشار وسیعتر و سریعتر تکنولوژی تعریف می‌نماید. این پدیده تا حد زیادی متأثر از موج جهانی سراسری آزاد سازی اقتصادی - کاهش موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای تجارت بین‌الملل، تشویق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، ومقررات زدایی بازارهای مالی بوده است.<sup>۱</sup> نظریه اقتصادی همواره بر نقش مستقیم تجارت آزاد به‌عنوان عامل بسیار مؤثر در افزایش رفاه و بهره‌وری تأکید داشته است. در تمام کشورهای جهان، اکنون این نظریه را کاملاً پذیرفته‌اند که تجارت بین‌الملل، سرمایه‌گذاری و جریان‌های مالی آزادتر مؤثرترین وسیله و ابزار تأمین سعادت مادی است.

افزایش قابل توجه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و رشد سریع تجارت جهانی به یک بحث سیاستی در ادبیات دانشگاهی در خصوص اثرات و الزامات یکپارچگی فزاینده اقتصاد جهانی انجامیده است. جهانی شدن همچون تمام تحولات و تغییرات اقتصادی، علاوه بر سود با زیان نیز همراه است. در این زمینه علیرغم چشم انداز بسیار مثبت از جمله بهره‌مندی وسیع از کارآیی اقتصادی و رشد بالاتر، افزایش و تشدید رقابت، انتخاب وسیع تر، دسترسی به سرمایه، ایده‌ها، تکنولوژی و محصولات جدید، نگرانی‌های زیادی به‌ویژه در حوزه اشتغال و نابرابری درآمد وجود دارد. در کشورهای در حال توسعه این ترس و نگرانی که آزاد سازی به کاهش و از دست دادن شغل و افزایش نابرابری منجر خواهد شد، وجود دارد و نیز ترس و نگرانی مشابهی در کشورهای صنعتی که جهانی شدن، رقابت بین‌المللی جدیدی را برمی‌انگیزد که این کشورها توان مقاومت در برابر آن را نداشته و این به افزایش بیکاری کارگران فاقد مهارت منجر می‌شود.<sup>۲</sup>

کشورهای در حال توسعه با نرخ بیکاری بالایی مواجه بوده و جهانی شدن نیز فرایند اجتناب ناپذیری شده است. سؤال اساسی این است که جهانی شدن اقتصاد چه تأثیری بر سطح اشتغال و نرخ بیکاری دارد؟ در این مقاله رابطه جهانی شدن

1- IMF, 1997.

2- Eddy Lee, 1996.

اقتصاد و اشتغال مورد بررسی قرار می‌گیرد. فرضیه مربوطه این است که جهانی شدن اقتصاد می‌تواند نرخ بیکاری را به‌طور مؤثری کاهش دهد. برای این منظور ابتدا مبانی نظری تحقیق (رابطه نظری جهانی شدن اقتصاد و بازار کار) مطالعه و بررسی می‌شود. در بخش دوم، چارچوب تحقیق معرفی شده، و در ادامه، رابطه تجربی جهانی شدن اقتصاد و تغییرات در نرخ بیکاری در چارچوب تحلیل همبستگی به تفصیل تشریح می‌شود. و بخش پایانی مقاله نیز به نتایج و پیشنهادات اختصاص دارد.

## ۲- ملاحظات نظری

### ۲-۱- جهانی شدن اقتصاد، رشد اقتصادی و اشتغال

در مطالعه‌ای کشورهای جهان به دو دسته باز و بسته تفکیک گردیده و رشد اقتصادی آنها مطالعه شده است:<sup>۱</sup> مقایسه رشد متوسط گروه کشورهای بسته با گروه کشورهای باز، آشکار کرد که نرخ رشد کشورهای باز برای مدت ۲۰ سال در فاصله ۱۹۹۰-۱۹۷۰، سالیانه به‌طور متوسط ۳ درصد فراتر از عملکرد رشد کشورهای بسته بوده است. همچنین مطالعه فوق اشاره و تاکید دارد که نمی‌توان یک کشور باز و در حال توسعه را پیدا کرد که شکست خورده باشد و به سختی می‌توان یک کشور در حال توسعه بسته را یافت که در طی این دوره موفق عمل کرده باشد. دلیل آن روشن است و تا اندازه زیادی بر می‌گردد به کارایی ناشی از رقابت تجاری، منافع و مزایای تخصصی شدن و موارد مشابه. از آن مهمتر، کشورهایی که خودشان را از جهان بیرون محروم و منزوی می‌کنند در واقع از جهان ایده‌ها و علم و دانش، از جریان تکنولوژی، و از بهبود سازمانی که در بخش‌های دیگر جهان اتفاق می‌افتد، محروم می‌مانند. بنابراین شگفت‌انگیز و اعجاب آور نخواهد بود که کشورهایی مانند سنگاپور، هنگ کنگ و...، که درهای خود را بر روی اقتصاد جهانی باز کرده‌اند، در مقایسه با کشورهایی که چنین

1- Jeffrey Sachs, 1996-2002.

نکرده‌اند، عملکرد به مراتب بهتری داشته‌اند. با درگیر شدن کامل در صحنه اقتصاد جهانی، این کشورها توانستند بهترین ایده‌های جهانی را بدون هیچ هزینه‌ای به دست آورند. این فایده اساسی و مهمی است که از جهانی شدن عاید می‌شود. کشورهای در حال توسعه می‌توانند با هزینه ناچیزی از تمام دانش جهانی بهره مند شده و سود ببرند. جهانی شدن یک فرصت منحصر به فرد برای آنها فراهم می‌کند که خودشان را به سطح کشورهای پیشرفته برسانند بدون این که مجبور باشند ماشین فاکس، تلفن سلولی، بیوتکنولوژی و... را مجدداً اختراع کنند.

بانک جهانی در تحقیقی نرخ رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه و نرخ یکپارچگی آنها در اقتصاد جهانی را با هم مقایسه کرده است.<sup>۱</sup> برای محاسبه نرخ یکپارچگی کشورها در اقتصاد جهانی از شاخص‌های نسبت تجارت به تولید ناخالص داخلی (GDP)، نسبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به GDP، سهم مصنوعات از صادرات، و رتبه بندی اعتباری (شاخص دسترسی به بازارهای بین‌المللی سرمایه) استفاده شده است.

نتایج تحقیق بانک جهانی از همبستگی تجربی بین نرخ بالاتر و سریعتر هم پیوندی با اقتصاد جهانی و رشد اقتصادی بیشتر حکایت دارد. کشورهای در حال توسعه‌ای که دارای بالاترین نرخ یکپارچگی در دهه گذشته بوده‌اند در مقایسه با کشورهای در حال توسعه‌ای که کمترین نرخ یکپارچگی را داشتند، رشد اقتصادی بیشتری داشتند.

سازوکار اصلی انتقال و تسری رشد بالا به عملکرد مطلوب اشتغال در آسیا، رشد سریع صادرات مصنوعات بود. در واقع رشد فزاینده صادرات صنعتی محرک اصلی رشد سریع تقاضای نیروی کار در بخش مدرن بود که فرصت‌های گسترده‌ای را برای انتقال نیروی کار به مشاغل مولد و با پرداخت بهتر فراهم کرده است. رشد صادرات مصنوعات افزایش پیدا کرده و اشتغال در تعدادی از این

1- World Bank, OP.Cit.,pp.20-28.

کشورها به واسطه جریان مؤثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی افزایش یافته است. به‌طور قطع می‌توان نتیجه گرفت که یک عامل مهم توضیح دهنده عملکرد برتر اقتصادی این کشورها، واکنش موفقیت‌آمیز آنها نسبت به فرصت‌های ایجاد شده از طریق جهانی شدن بوده است.<sup>۱</sup>

## ۲-۲- تجارت بین‌الملل: موتور اساسی جهانی شدن

نظریه و روند جهانی شدن به سمت رویکردی است که می‌گوید «اقتصاد باز بر اقتصاد بسته ترجیح دارد». این باز بودن عمدتاً به تجارت، و همچنین به تحرک عوامل و مالکیت خارجی اشاره دارد. توسعه و بسط گرایش فوق ناشی از این باور است که تخصیص مجدد منابع تولید در سطح بین‌الملل و رقابت بین‌المللی به کارآیی و رشد اقتصادی بیشتر منتهی خواهد شد.<sup>۲</sup> اثر مثبت تجارت آزادتر و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی بدون تردید یکی از مهمترین عوامل توضیح دهنده رابطه یکپارچگی فزاینده اقتصادی و رشد اقتصادی است.

بر اساس نظریه مرکانتیلیست‌ها در تجارت بین‌الملل که بیش از دو قرن حاکمیت داشته، اگر یک کشور در تجارت منتفع شود، کشور دیگر حتماً زیان خواهد دید. اهمیت نظریات اقتصادی کلاسیک‌ها تبیین و ترویج این باور بود که تمام کشورهای درگیر تجارت بین‌الملل می‌توانند در آن واحد از تجارت سود ببرند. بر اساس نظریه مزیت نسبی، اگر یک کشور کالایی را که در آن مزیت مطلق کمتری دارد، وارد کند و کالایی که در آن مزیت مطلق بیشتری دارد را صادر کند هر دو کشور سود برده و رفاه مردم در هر دو کشور افزایش می‌یابد. این نظریه که توسط ریکاردو بیان شده، در پرتو اصلاحات و تفسیرهای تکمیلی اقتصاددانان بعدی غنا و قدرت توضیحی فزاینده‌ای پیدا کرده و اکنون نظریه اساسی پیشبرد تجارت بین‌الملل و جهانی شدن است. بر خلاف نظریه مرکانتیلیست‌ها، نظریه مزیت نسبی مشوق توسعه تجارت بین‌الملل بوده و بهبود

1- ILO, 1995.

2- John D. Daniels.

رشد اقتصادی و به تبع آن، به طور مستقیم و غیرمستقیم، افزایش و گسترش اشتغال را در پی دارد.

در خصوص اثرات توسعه و گسترش تجارت بین‌الملل بر اشتغال بایستی گات و WTO، به ویژه مذاکرات دور اروگوئه را مطالعه و بررسی کرد. دور اروگوئه به درستی به عنوان جاه طلبانه‌ترین و جامع‌ترین تمام دوره‌های گات<sup>۱</sup> عنوان می‌شود. دور اروگوئه در مقایسه با تمام دوره‌های قبلی گات تعداد خیلی بیشتری از طرف‌های قرار داد (۱۰۹ کشور) را شامل گردیده و تعداد قابل توجهی از موضوعات (۱۵ مورد) را پوشش می‌دهد. علاوه بر تجدید نظر موضوعات قدیمی مانند آزاد سازی تعرفه، موضوعات جدید و مرتبط با سرمایه‌گذاری خارجی، مالکیت معنوی، و خدمات نیز مورد توجه قرار گرفته است. به نظر می‌رسد که در صورت آزاد سازی بازارهای منسوجات، پوشاک، کشاورزی و مصنوعات در شمال، دور اروگوئه بزرگترین فرصت را برای توسعه و گسترش صادرات جنوب به شمال فراهم کند. اگرچنین شود، به طور قطع، افزایش و رشد اشتغال در جنوب و کاهش آن در شمال، حداقل در کوتاه‌مدت، را شاهد خواهیم بود. به‌علاوه، براساس یک تحقیق، مشاغلی که در شمال از دست می‌روند مشاغل کم‌مهارت هستند همچنین احتمال زیادی وجود دارد که گسترش تجارت بین‌الملل، در کشورهای در حال توسعه نیز چالش‌های تعدیلی کوتاه‌مدت معنی‌داری را در پی داشته باشد. در این حالت، اتکای بیشتر به اقدامات حمایتی می‌تواند در دستور کار قرار گیرد.<sup>۲</sup> گرین وی<sup>۳</sup> و میلنر<sup>۴</sup> وجوه اصلی موافقتنامه (دور اروگوئه) و پیامدها و نتایج آنرا در حوزه اشتغال و رشد اقتصاد جهانی تحلیل کرده‌اند. ارزیابی کلی آنها این است که از طریق گسترش متقابل بازارها و اثرات ضریب تکاثری متعاقب آن، تأثیر معنی‌داری بر رشد و اشتغال، و همچنین ثبات بیشتری (که از قواعد حاکم بر تجارت بین‌الملل حاصل خواهد شد) را شاهد خواهیم بود. اما هشدار می‌دهند که

1- GATT.

2- ILO.

3- Greenaway.

4- Milner.

تحقق این منافع به طور قطع به اجرای کامل موافقتنامه بستگی دارد و تأکید می‌نمایند که این به هیچ وجه تضمین شده نیست. یک تهدید بالقوه دیگر ظهور مجدد حمایت‌گرایی در کشورهای صنعتی است در صورتی که با مسائل تعدیل ناشی از تجارت آزادتر به طور مناسب برخورد نشود. اجراء کامل موافقتنامه در کشورهای صنعتی نیاز به تعدیل بیشتر در صنایع کم مهارت و دارای کاربر بیشتر را در پی دارد. این احتمالاً مشکل بیکاری را تشدید نموده، مگر این که سیاست‌های مؤثر تعدیل مثبت اعمال شوند. اتخاذ چنین سیاست‌هایی به جای سیاست عدم مداخله یا برگشت به حمایت‌گرایی توصیه می‌شود.<sup>۱</sup>

### ۲-۲- سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

نگرش غالب بر FDI در کشورهای در حال توسعه در طی دهه گذشته به طور مؤثری تغییر کرده است. بسیاری از نگرانی‌های پیشین دولت‌های کشورهای در حال توسعه نسبت به اثرات شرکت‌های چند ملیتی یا فراملیتی (MNEs) بسیار کمرنگ شده است. اکنون دولت‌ها به استقبال MNEs می‌روند به نحوی که در تاریخ توسعه اقتصادی بی سابقه است. رویکرد جهانی سیاست به سمت بازار و سیاست‌های اقتصادی لیبرال موجب شده تا بسیاری از تشویش‌ها و تردیدهایی که پیش از این نسبت به FDI وجود داشته، از بین برود. حوزه‌هایی از فعالیت اقتصادی که پیش از این بر روی بنگاه‌های خارجی بسته بوده اکنون مفتوح گردیده و تلاش‌های شدیدی برای جلب توجه MNEs و جذب FDI در حال انجام است. این پیشرفت‌ها متأثر و نیازمند اقدامات سیاستی همچون خصوصی‌سازی بنگاه‌های تحت مالکیت دولت در کشورهای سرمایه‌گذار و میزبان، هر دو، و فشار به دولت‌ها برای کاهش کسری بودجه، افزایش کارآیی زیر ساختار و ایجاد یک فضای مستعد فعالیت اقتصادی و رقابت است. مشارکت در خصوصی‌سازی یک عامل مهم نفوذ و رسوخ MNEs بوده است.<sup>۲</sup>

1- Eddy Lee.

2- Paul Bailey 1995.



در حال حاضر کمک سراسری MNEs به اشتغال (که فقط در حدود ۴ درصد نیروی کار کشورهای در حال توسعه را شامل می‌شود) به سختی قابل قبول (یا قابل دفاع) به نظر می‌رسد. با وجود این، باور گسترده‌ای وجود دارد که FDI یک منبع بالقوه ایجاد شغل و رشد است. رشد اساسی FDI از اواسط دهه نود، تحول آشکار در اکثر کشورهای در حال توسعه در رویکرد به FDI و شدت دفاع آژانس‌های بین‌المللی از آن به میزان زیادی به این فرضیه اشاره دارد. پیشرفت‌های نظری اخیر مدل‌های اساسی رشد اقتصادی، که به مدل‌های رشد درون‌زا انجامیده، این اشتیاق به FDI را تسریع کرده است. نظریه جدید رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی، یادگیری از طریق انجام کار، و یادگیری از طریق نظارت و مشاهده و بازدهی فزاینده به مقیاس را مورد تأکید قرار می‌دهد. انتقال سرمایه انسانی و اثرات نشت نیز از ویژگی‌های غالباً مورد تأکید FDI است.<sup>۱</sup>

رشد تجارت بین‌الملل و سرمایه‌گذاری در خدمات، فرصت‌های منحصر به فردی برای ایجاد اشتغال در کشورهای در حال توسعه با یک نیروی کار آموزش دیده فراهم می‌کند. رشد تجارت و سرمایه‌گذاری در خدمات خودش نتیجه پیشرفت‌های مؤثر و هیجان‌انگیزی است که به واسطه انباشت تکنولوژی و نوآوری‌ها در صنعت حاصل شده است. این نوآوری‌ها به ایجاد مجموعه جدیدی از فعالیت‌های خدماتی و صنعتی انجامیده که در تخصصی شدن و تقسیم کار تأثیر به‌سزایی دارد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

---

1- ILO.

## جدول ۱- حقایق عیان شده جهانی شدن

سال	تولید جهانی <sup>۱</sup>	تجارت جهانی		FDI جهانی	نکته	
		کل <sup>۲</sup>	مصنوعات		سهام DC از تجارت <sup>۳</sup>	سهام FDI از DC <sup>۴</sup>
۱۹۸۳	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۳/۱	۲۴/۲
۱۹۸۴	۱۰۳/۷	۱۰۵/۸	۱۰۲/۸	۱۱۶/۱	۱۲/۷	۲۰/۸
۱۹۸۵	۱۰۷/۵	۱۰۶/۲	۱۰۲/۸	۱۱۹	۱۲	۲۳/۶
۱۹۸۶	۱۱۱/۳	۱۱۷/۴	۱۲۵/۷	۱۹۲/۵	۱۳/۱	۱۴/۷
۱۹۸۷	۱۱۳/۸	۱۳۷/۸	۱۵۳/۳	۲۹۸	۱۴/۷	۱۱/۶
۱۹۸۸	۱۱۸/۸	۱۵۷	۱۷۶/۶	۳۶۷/۴	۱۵/۶	۱۵/۷
۱۹۸۹	۱۲۲/۵	۱۷۰/۳	۱۸۸/۵	۴۷۰/۶	۱۸/۲	۱۴/۷
۱۹۹۰	۱۲۵	۱۹۲/۳	۲۱۶/۴	۴۹۳	۱۷/۹	۱۴/۸
۱۹۹۱	۱۲۳/۸	۱۹۷/۵	۲۲۳/۵	۳۹۲/۹	۱۹/۶	۲۶/۵
۱۹۹۲	۱۲۵	۲۱۳/۱	۲۴۴/۴	۳۹۶/۹	۲۰/۸	۳۰/۱
۱۹۹۳	۱۲۷/۵	۲۱۲/۵	۲۴۶/۷	۴۶۰/۷	۲۳/۸	۳۶
۱۹۹۴	۱۳۱/۳	۲۳۷/۷	۰۰	۴۶۸/۱	۰۰	۳۹/۳

۱. شاخص تولید ناخالص داخلی واقعی، ۲. متوسط صادرات و واردات کالای جهانی به علاوه صادرات و واردات خدمات تجاری، ۳. سهم کشورهای در حال توسعه از صادرات جهانی مصنوعات، ۴. سهم کشورهای در حال توسعه از FDI، منهای کشورهای نفت خیز

Source: John H. Dunning, Globalization, trade and FDI, 1998, p. 156

## ۳- روش تحقیق و تجزیه و تحلیل تجربی

تلاش برای برآورد حجم اشتغال ایجاد شده (مستقیم و غیرمستقیم) توسط شرکت‌های چند ملیتی (MNEs) نمونه‌ای از مطالعه تجربی است که می‌توان در این رابطه به آن اشاره کرد. براساس مطالعات ILO اشتغال ایجاد شده توسط MNEs در اواسط دهه هشتاد در حدود ۴۰ میلیون نفر برآورد گردیده و در تحقیقات بعدی ILO این تعداد به ۶۵ میلیون نفر افزایش یافته است.<sup>۱</sup> به‌طور کلی مطالعات انجام یافته پیرامون رابطه جهانی شدن اقتصاد و تغییرات در بازار کار (نرخ بیکاری) نظری بوده‌است. در مقاله حاضر تلاش بر این است که رابطه بین این دو متغیر مهم به‌طور تجربی مطالعه و بررسی شود. روش تحقیق از نوع

1- Aurelio, Parisotto.

تحلیل همبستگی خواهد بود. به این ترتیب که همبستگی بین شاخص‌های جهانی شدن اقتصاد و نرخ بیکاری در نمونه‌ای از کشورهای جهان با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون برای یک دوره زمانی بیست ساله مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد. سطح معنی‌دار بودن ضریب همبستگی از طریق آماره

$$t = r \sqrt{\frac{n-2}{1-r^2}}$$

که دارای توزیع  $t$  استیودنت با  $n-2$  درجه آزادی است، آزمون

می‌شود. اگر علامت ضریب منفی بوده و در سطح ۵ درصد معنی‌دار باشد، به این معنی خواهد بود که رشد جهانی شدن اقتصاد با کاهش نرخ بیکاری به طور معنی‌داری همبسته است و برعکس<sup>۱</sup>.

برای مطالعه و بررسی تجربی رابطه بین جهانی شدن اقتصاد و سطح اشتغال (نرخ بیکاری) ۱۸ کشور از میان کشورهای که ابتدا جزء کشورهای صنعتی نبودند، انتخاب گردیدند. در انتخاب نمونه تلاش گردید کشورهای انتخاب شوند که یا به حضور وسیع و قدرتمندی در اقتصاد جهانی دست یافته‌اند، و یا به طور جدی و راسخ تلاش دارند نقش مهمی در اقتصاد جهانی ایفا نمایند. ۱۸ کشور انتخاب شده عبارتند از: آرژانتین، برزیل، چین، غنا، هنگ کنگ، هند، اندونزی، کره جنوبی، مالزی، مکزیک، مراکش، فیلیپین، سنگاپور، تونس، ترکیه، تایلند، ونزوئلا و آفریقای جنوبی. برای اندازه‌گیری کمی جهانی شدن اقتصاد، به پیروی از مطالعه بانک جهانی<sup>۲</sup>، از سه شاخص، نسبت تجارت (صادرات و واردات) به تولید ناخالص داخلی، نسبت صادرات مصنوعات به کل صادرات، نسبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) به تولید ناخالص داخلی (GDP) استفاده شده است. داده‌های آماری مربوطه به‌علاوه نرخ بیکاری هیجده کشور برای دوره زمانی ۲۰۰۰-۱۹۸۰ از منابع بانک جهانی و ILO استخراج شده است. این اطلاعات و داده‌ها در هیجده جدول تنظیم گردیده و همراه با برخی خروجی‌های دیگر کامپیوتری در پیوست آورده شده است. (پیوست، جدول ۱، داده‌های آماری)

۱- عادل آذر و منصور مومنی، ۱۳۸۰.

2- World Bank, 1996.

تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات به دست آمده در بررسی رابطه جهانی شدن اقتصاد و نرخ بیکاری که در سه مرحله انجام یافته و نتایج مربوطه بشرح زیر است:

یکم، روند هر یک از شاخص‌های جهانی شدن اقتصاد با روند نرخ بیکاری در هر کشور، از طریق ابزار آماری ضریب همبستگی مطالعه و بررسی شده که نتایج آن از حیث علامت ضریب همبستگی به این شکلند:

در چهار کشور آرژانتین، فیلیپین، آفریقای جنوبی و چین، ضریب همبستگی برای هر سه شاخص جهانی شدن اقتصاد دارای علامت مثبت بوده است. مورد چین با سه کشور دیگر کاملاً تفاوت می‌کند. در چین نرخ بیکاری در طول دو دهه تحت بررسی، زیر ۵ درصد و حداکثر مقدار آن ۳/۱ درصد بوده است. از طرف دیگر سرعت و نرخ یکپارچگی اقتصادی چین با اقتصاد جهانی از کشورهای دیگر به مراتب بیشتر بوده و در این دو دهه برخلاف سه کشور دیگر با بحران بیکاری مواجه نشده است. نوسانات نرخ بیکاری آن در محدوده و دامنه ۲ تا ۳ درصد است. به طور قطع سطح پایین نرخ بیکاری چین بر دامنه نوسانات و حتی روند نوسانات آن که در دوره تحت مطالعه به موازات رشد جهانی شدن چین، صعودی بوده، غلبه دارد. در کشورهای برزیل، مراکش، و نروژ و مکزیک، علامت ضریب همبستگی در یک مورد، منفی و در دو مورد، مثبت بوده است بین نرخ بیکاری و دو شاخص از شاخص‌های جهانی شدن اقتصاد همبستگی مستقیم وجود داشته ولی بین نرخ بیکاری و شاخص جهانی شدن همبستگی معکوس مشاهده شده است. در واقع این کشورها با توجه به نتایج آماری، در ذیل کشورهای دسته اول جا می‌گیرند. در اینجا لازم است در مورد کشور مکزیک توضیحاتی ارائه شود. علامت مثبت ضریب همبستگی، عملکرد موفقیت آمیز مکزیک را نشان نمی‌دهد. در کشور مراکش، علی‌رغم رشد جهانی شدن اقتصاد این کشور، نرخ بیکاری بسیار بالا بوده و سیر صعودی داشته است. مکزیک، از این حیث با چین قابل مقایسه است. اطلاعات بیکاری کشور مکزیک فقط به دهه نود مربوط می‌شود. اگر نرخ بیکاری مکزیک در دهه هشتاد در دسترس بود، می‌توانستیم قضاوت بهتری

داشته باشیم. با وجود این، نرخ بیکاری در مکزیک در دهه نود حول وحوش ۳ درصد (و حداکثر مقدار آن ۵/۷ درصد بوده) که نرخ بسیار مناسبی تلقی می‌شود. به‌ویژه اگر دقت نماییم که مکزیک در مجموعه کشورهای آمریکای لاتین قرار دارد که نرخ بیکاری آنها عموماً در سطح بالایی است. در دهه نود مکزیک گرفتار بحران بدهی بسیار حادی گردید که متأثر از عدم تعادل‌های اقتصاد کلان، سیاست‌های ناکارآمد، و صنایع تحت حمایت با رویکرد جایگزینی واردات بود. مکزیک، مانند مراکش سیاست تثبیت و تعدیل ساختاری را در سال ۱۹۸۳ آغاز کرد. اما با سرعت خیلی بیشتری به جلو حرکت نمود. مکزیک تجارت خارجی اش را با کاهش نرخ حمایت به حداکثر ۲۰ درصد آزادسازی کرد و ۷۵ درصد تولیداتش را کاملاً آزاد ساخت. همچنین بازار سرمایه خود را بر روی خارجی‌ها گشود و توانست مقادیر انبوهی از سرمایه‌گذاری خارجی را جذب نماید. تولید صنعتی مکزیک با تنوع وسیعی به‌سرعت افزایش پیدا کرد اشتغال در بخش مصنوعات آن افزایش یافت و بخش صنعت به جای ویرانی و تخریب، تجدید ساختار پیدا کرد. نه تنها بیکاری در مکزیک، بعلت آزاد سازی و دسترسی به NAFTA افزایش پیدا نکرد بلکه مشاغل بیشتری ایجاد شد<sup>۱</sup>. این تحلیل نشان می‌دهد که بیکاری در مکزیک در دهه ۸۰ احتمالاً در سطح بالاتری بوده است.

در کشورهای سنگاپور، تایلند، مالزی، و ترکیه ضریب همبستگی بین نرخ بیکاری و جهانی شدن اقتصاد در تمام موارد دارای علامت منفی بوده است. به‌عبارت دیگر بین جهانی شدن اقتصاد این کشورها (توسط هر سه شاخص) و نرخ بیکاری آنها همبستگی معکوس مشاهده شده است. در دو کشور هنگ کنگ و کره جنوبی نیز ضریب همبستگی در دو مورد از سه مورد دارای علامت منفی بوده است و لذا این کشورها را در مجموع می‌توانیم در یک طیف دسته بندی نماییم. کشورهایی که افزایش یکپارچگی اقتصادی آنها با نرخ نزولی بیکاری همراه بوده و نرخ بیکاری آنها، به استثناء ترکیه، به‌طور متوسط زیر ۵ درصد بوده است.

1- Mongi Bonghzala, O p. cit, pp. 388- 389.

و اما در خصوص کشورهای تونس، هند و غنا یا آمار مربوط به نرخ بیکاری آنها بهیچ وجه در دسترس نبوده و یا تعداد مشاهدات بسیار اندک بوده است و لذا لازم است به صورت جداگانه و موردی تشریح شوند. تونس کشوری است که شاخص‌های جهانی شدن اقتصاد آن حاکی از نرخ بالای یکپارچگی آن در اقتصاد جهانی دارد به طوری که با کره جنوبی همترازی می‌کند. با وجود این، نرخ بیکاری آن، در سال‌های آخر دوره تحت مطالعه در سطح بالایی است (۱۵ درصد). اگر نرخ بیکاری در تونس در سال‌های دهه هشتاد و اوایل دهه نود، از ۱۵ درصد بالاتر بوده، می‌توان گفت که جهانی شدن تونس به نفع بازار کار آن بوده است اما بر اساس شواهد موجود، سطح بیکاری در تونس علیرغم حضور نسبتاً وسیع و شدید در اقتصاد جهانی هنوز بسیار بالا است.

در کشور غنا، علیرغم افزایش نسبت صادرات به GDP، سهم مصنوعات آن از صادرات در سطح بسیار پایینی است که حاکی از تعامل ضعیف آن با اقتصاد جهانی دارد. با وجود این غنا توانسته در دهه آخر قرن بیستم مقدار زیادی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را جذب نماید. نرخ بیکاری در غنا، که فقط برای سال‌های ۹۵-۱۹۹۲ به دست آمده، در سطح بسیار بالا، و در میان ۱۸ کشور نمونه، دارای بالاترین نرخ بیکاری بوده است. مطالعه و بررسی دقیقتر اطلاعات غنا نشان می‌دهد که این کشور از حیث نسبت صادرات مصنوعات به کل صادرات حضور بسیار کم‌رنگی دارد (۶/۸ درصد)، از حیث جذب FDI (در دهه نود) در سطح تقریباً مناسبی است، و از نظر نرخ بیکاری، در یک سطح بحرانی است. این بحث به نکته بسیار مهمی اشاره دارد: شاخص نسبت صادرات مصنوعات به کل صادرات، اهمیتش بیشتر از جذب FDI است. اگر جذب FDI به افزایش توان صنعتی و افزایش تولیدات و صادرات صنعتی نیانجامد، جهانی شدن فایده‌ای در پی نخواهد داشت و بلکه به احتمال زیاد اثرات زیانباری بر جای خواهد گذاشت.

**دوم**، در این مرحله، متوسط سالیانه متغیرها و شاخص‌های مربوطه یعنی متوسط سالیانه نسبت صادرات به GDP، متوسط سالیانه نسبت واردات به GDP، متوسط سالیانه سهم مصنوعات از صادرات و متوسط سالیانه نسبت FDI به GDP

برای هر کشور در فاصله ۲۰۰۰-۱۹۸۰ محاسبه گردیده و نتایج این محاسبات در جدول (۲) آمده است. براساس جدول (۲) از لحاظ نسبت صادرات صنعتی به کل صادرات، کشور هنگ کنگ با متوسط سالیانه ۹۴/۸ درصد در طی ۱۹۸۰-۲۰۰۰ دارای بیشترین مقدار و غنا با ۶/۸ درصد دارای کمترین مقدار بوده است. همچنین از لحاظ جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به صورت نسبت FDI به GDP، مالزی با متوسط سالیانه ۴/۳ درصد در طی ۱۹۸۰-۲۰۰۰ دارای بهترین موقعیت بوده و هند با ۰/۲۳ درصد ضعیف‌ترین وضعیت را داشته است.

جدول ۲- متوسط سالانه متغیرهای تحت مطالعه در دوره ۱۹۸۰-۲۰۰۰

کشور	mex	Min	Mam	mif	muR
آرژانتین	۹	۸/۲	۲۸/۲	۱/۷	۸/۰۳
برزیل	۹/۵	۸/۶	۴۹/۹	۱/۳	۵/۱۳
چین	۱۶/۲	۱۵/۲	۷۶/۳	۲/۶	۲/۵
غنا	۱۹/۶۵	۲۸	۶/۸	۰/۸۳	۳۶/۸۵
هنگ کنگ	۱۲۴/۶	۱۲۰/۶	۹۴/۸	-	۲/۹۹
هند	۸/۵	۱۱/۱	۶۷/۱	۰/۲۳	-
اندونزی	۲۸/۳	۲۵/۱	۳۲/۱	۰/۵۴	۳/۶
کره جنوبی	۳۴/۳	۳۳/۵	۹۱/۹	۰/۵۴	۳/۵
مالزی	۷۶/۷	۷۲/۴	۵۲/۲	۴/۳	۴/۷
مکزیک	۲۰/۶	۱۹/۵	۵۱/۸	۱/۶	۳/۴
مراکش	۲۴/۸	۳۱/۶	۴۸/۲	۰/۵۳	۱۷/۴
فیلیپین	۳۲/۶	۳۶	۴۷/۵	۱/۲	۷/۷
سنگاپور	۱۸۴/۴	۱۷۶/۶	۶۹/۱	۱۰	۳/۲
تونس	۳۹/۹	۴۵	۶۳/۴	۲/۰۵	۱۵
ترکیه	۱۶/۵	۲۰/۲	۶۳/۴	۰/۳۳	۸/۴۹
تایلند	۳۵/۹	۳۷/۴	۵۵/۴	۱/۸۳	۲/۳۵
ونزوئلا	۲۶/۸	۲۱/۳	۹/۱۷	۱/۴۹	۹/۸
آفریقای جنوبی	۲۶/۱	۲۲/۳	۳۳/۸	۰/۹۴	۲۰/۸

منبع: پیوست، جدول ۱

mex : متوسط سالانه نسبت صادرات به GDP در دوره ۱۹۸۰-۲۰۰۰

min : متوسط سالانه نسبت واردات به GDP در دوره ۱۹۸۰-۲۰۰۰

mam : متوسط سالانه سهم مصنوعات از صادرات در دوره ۱۹۸۰-۲۰۰۰

mfi : متوسط سالانه نسبت FDI به GDP در دوره ۱۹۸۰-۲۰۰۰

muR : متوسط سالانه نرخ بیکاری در دوره ۱۹۸۰-۲۰۰۰

ضریب همبستگی بین شاخص‌های جهانی شدن اقتصاد (نسبت صادرات به

GDP، نسبت واردات به GDP، سهم مصنوعات از صادرات و نسبت FDI به GDP) و نرخ بیکاری دارای علامت منفی بوده (جدول ۳) و ضریب همبستگی سهم مصنوعات از صادرات دارای بیشترین مقدار و از لحاظ آماری نیز در سطح معنی داری بوده است.

جدول ۳- ماتریس همبستگی

MFI	MAM	MIM	MEX	MUR
-۰/۲۱	-۰/۵۸	۰-/۲۳	-۰/۲۷	

$$r = -0.47 \quad t = r \sqrt{\frac{n-2}{1-r^2}} = -2.13 \quad n = 18$$

$$\alpha = 0.05 \quad t_{\frac{\alpha}{2}, 16} = \pm 2.12 \quad df = 16$$

نتایج آماری نشان می‌دهد که جهانی شدن اقتصاد به طور متوسط در طی ۱۹۸۰-۲۰۰۰ با کاهش نرخ بیکاری همراه بوده و این رابطه برای شاخص سهم مصنوعات از صادرات معنی دار بوده است. نکته مهمی که از این نتیجه حاصل می‌شود این است که اگر جهانی شدن اقتصاد از طریق رشد صادرات و جذب FDI با افزایش و رشد صادرات صنعتی همراه باشد، به طور قطع جهانی شدن اقتصاد برای کشور مربوطه اثرات مثبت و مفیدی از جمله برای بازار کار و اشتغال، در پی خواهد داشت.

**سوم،** در آخرین مرحله تلاش گردید تا درجه جهانی شدن اقتصاد هر کشور تعیین گردد. برای دستیابی به این مهم، براساس جدول (۲)، هیجده کشور نمونه با توجه به مقدار و ارزش متوسط سالانه متغیرهای مربوطه، در دامنه یک تا هیجده رتبه بندی و مرتب گردیدند. به این ترتیب که، به‌عنوان مثال، برای ارزش متوسط سالانه صادرات به GDP، به کشوری که دارای بیشترین مقدار در سری بوده، نمره یک و به کشور با بیشترین مقدار دوم، نمره دو و همین‌طور الی آخر، به کشوری که دارای کمترین ارزش متوسط سالانه بوده نمره هیجده داده شده است.



این فرایند برای دو شاخص دیگر جهانی شدن اقتصاد یعنی سهم مصنوعات از صادرات و نسبت FDI به GDP نیز تکرار شده است. در نهایت، نمرات و امتیازات هر کشور از سه شاخص مذکور جمع بسته شده و نتایج در جدول (۴) آمده است. ستون جمع نمرات و امتیازات هر کشور (شاخص SIG) در واقع نرخ و میزان یکپارچگی اقتصاد کشور مورد نظر و یا به عبارت دیگر سرعت جهانی شدن آن را منعکس می‌کند. هر قدر نمره و امتیاز نهایی کوچکتر باشد به معنی تعامل بیشتر کشور مورد نظر با اقتصاد جهانی است، چون هر قدر نمره نهایی کوچکتر باشد به این معنی است که ارزش متوسط سالانه سه شاخص اساسی جهانی شدن اقتصاد برای کشور مورد نظر در سطح بالاتری قرار دارد.

براساس شاخص مرکب تعریف شده (SIG) کشورهای هنگ کنگ، سنگاپور و مالزی در میان ۱۸ کشور نمونه سه رتبه اول جهانی شدن اقتصاد را به خود اختصاص داده‌اند.

لازم به توضیح است که برای هنگ کنگ آمار مربوط به جذب FDI به دست نیامده است. این کشور در دو شاخص دیگر جهانی شدن اقتصاد دارای رتبه ۱ و ۲ بوده و لذا با این فرض که هنگ کنگ از حیث FDI در موقعیت مشابهی قرار دارد این کشور در رتبه اول قرار گرفته است. با وجود این برای مطابقت بیشتر با دیگر تلاش‌های انجام شده<sup>۱</sup> به هنگ کنگ در زمینه جذب FDI نمره پایین تری اعطاء و فرایند محاسبه شاخص مجدداً تکرار گردید. در این حالت سنگاپور رتبه اول را کسب کرده و هنگ کنگ در جایگاه دوم قرار گرفته است. این تغییرات در جدول (۴) با SIG2 تعریف شده است.

1- Foreign Policy, Washington, D.C, 2002: 2002 Globalization Index.

## جدول ۴- رتبه بندی کشورها و برآورد شاخص سرعت جهانی شدن اقتصاد

SIG2	SIG	I	M	E	کشور
۳۹	۳۹	۶	۱۶	۱۷	آرژانتین
۳۶	۳۶	۹	۱۱	۱۶	برزیل
۲۱	۲۱	۳	۳	۱۵	چین
۴۳	۴۳	۱۲	۱۸	۱۳	غنا
۱۲	۳	۰	۱	۲	هنگ کنگ
۴۰	۴۰	۱۷	۱۵	۱۸	هند
۳۷	۳۷	۱۴	۱۵	۸	اندونزی
۲۱	۲۱	۱۳	۲	۶	کره جنوبی
۱۴	۱۴	۲	۹	۳	مالزی
۲۹	۲۹	۷	۱۰	۱۲	مکزیک
۳۸	۳۸	۱۵	۱۲	۱۱	مراکش
۳۰	۳۰	۱۰	۱۳	۷	فیلیپین
۶	۶	۱	۴	۱	سنگاپور
۱۴	۱۴	۴	۶	۴	تونس
۳۷	۳۷	۱۶	۷	۱۴	ترکیه
۱۸	۱۸	۵	۸	۵	تایلند
۳۴	۳۴	۸	۱۷	۹	ونزوئلا
۳۵	۳۵	۱۱	۱۴	۱۰	آفریقای جنوبی

مأخذ: براساس جدول (۲)

E: امتیاز مربوط به متوسط سالانه نسبت صادرات به GDP در دوره ۱۹۸۰-۲۰۰۰

M: امتیاز مربوط به متوسط سالانه سهم مصنوعات از صادرات در دوره ۱۹۸۰-۲۰۰۰

I: امتیاز مربوط به متوسط سالانه نسبت FDI به GDP در دوره ۱۹۸۰-۲۰۰۰

SIG: (جمع امتیازات E, M و I)، شاخص سرعت جهانی شدن اقتصاد

جدول (۵) ضرایب همبستگی بین دو شاخص برآورد شده جهانی شدن اقتصاد [ (SIG) , (SIG2) ] و نرخ بیکاری را به طور متوسط در طی دوره ۱۹۸۰-۲۰۰۰-

۱۹۸۰ نشان می‌دهد.

## جدول ۵- ماتریس همبستگی

SIG2	SIG	
۰/۵۲	۰/۵۰	MUR

همچنان که از جدول ملاحظه می‌شود در تمام حالات مفروض، ضریب همبستگی دارای علامت انتظاری بوده و از لحاظ آماری نیز در سطح معنی‌داری است. (در سطح ۰.۵٪) لازم به توضیح است که در این حالت، علامت "مثبت" ضریب همبستگی با انتظارات مفروض مطابقت دارد (بر خلاف حالات قبلی). علامت "مثبت" ضریب همبستگی به معنی همبستگی مستقیم دو متغیر (جهانی شدن اقتصاد) و نرخ بیکاری است، به این معنی که، افزایش مقدار عددی شاخص برآورد شده جهانی شدن اقتصاد، که به مفهوم تنزل رتبه جهانی شدن است (به معنی حاشیه نشینی و انزوگرایی) با افزایش نرخ بیکاری همبسته است.

$$n=18 \quad \text{مقدار محاسبه شده آماره } t \quad t = r \sqrt{\frac{n-2}{1-r^2}} = 2/31 \quad r=0/5$$

$$df=16 \quad \text{مقدار آماره } t \text{ در جدول} \quad t_{0/025,16} = \pm 2/12 \quad \alpha=0/05$$

#### ۴- نتیجه‌گیری

جهانی شدن بر بازار کار در سراسر جهان اثر بسیار می‌گذارد. کاری که پیش از این در آمریکا و دیگر کشورهای صنعتی انجام می‌شده، اکنون در کشورهای در حال توسعه غالباً به طور ارزان‌تر انجام می‌شود. و این نه تنها در مورد مشاغل کم مهارت خط مونتاژ صدق می‌کند بلکه در مورد مشاغل مستلزم مهارت‌های بالای کامپیوتری و مهندسی نیز صادق است. حتی صنعت خدمات از رقابت جهانی شغلی به‌دور نیست.

در مطالعه انفرادی، در کشورهایی که جهانی شدن اقتصاد سرعت بیشتری پیدا کرده و یکپارچگی افزایش یافته، در دوره زمانی ۱۹۸۰-۲۰۰۰ هم شاهد کاهش نرخ بیکاری بوده‌ایم و هم شاهد افزایش نرخ بیکاری، با این توضیح که: کشورهای که رشد جهانی شدن اقتصاد آنها بیشتر از همه بوده، عموماً کاهش نرخ بیکاری را تجربه کرده‌اند مانند تایلند، سنگاپور، هنگ کنگ، مالزی و کره جنوبی.

در برخی کشورهایی که با نرخ بالای یکپارچگی اقتصادی بین‌المللی، افزایش

نرخ بیکاری اتفاق افتاده، سطح نرخ بیکاری بسیار پایین است و این پایین بودن نرخ بیکاری بر افزایش آن غلبه دارد مانند چین، مکزیک و اندونزی. به عبارت دیگر اینها کشورهایی هستند با نرخ بالای یکپارچگی و سطح پایین نرخ بیکاری، اگرچه نرخ بیکاری آنها در دوره تحت مطالعه افزایش داشته است.

در برخی کشورها، علیرغم افزایش نرخ یکپارچگی آنها با اقتصاد جهانی، نرخ بیکاری آنها هم افزایش داشته و هم در سطح بالایی بوده است مانند مراکش، آرژانتین، فیلیپین، آفریقای جنوبی، و تونس.

نتایج اشاره دارد که تسریع جهانی شدن اقتصاد (افزایش یکپارچگی اقتصادی کشورهای جهان) به طور متوسط دارای همبستگی معنی داری با کاهش نرخ بیکاری است. به عبارت دیگر، جهانی شدن اقتصاد در بلند مدت دارای تأثیر مثبت معنی داری بر بازار کار و سطح اشتغال است. این نتیجه وقتی حاصل شد که جهانی شدن اقتصاد به صورت یک شاخص مرکب تعریف و برآورد گردید. با تجزیه شاخص به سه مولفه اصلی آن نیز ملاحظه شد که همبستگی بین شاخصهای جهانی شدن اقتصاد و نرخ بیکاری در دوره تحت مطالعه مطابق انتظارات قبلی بوده و برای شاخص سهم مصنوعات از صادرات، همبستگی در سطح معنی داری است. بنابراین مشارکت فعال در اقتصاد جهانی می تواند یک راه حل اساسی نرخ های بالا و فزاینده بیکاری باشد. اگر بتوان با جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی، صادرات صنعتی را از طریق استراتژی توسعه صادرات به طور محسوسی افزایش داد، به طور قطع کاهش قابل توجه نرخ بیکاری را می توان شاهد بود. در مطالعات آماری ملاحظه شد که در کشورهای با نرخ بالای سهم مصنوعات از صادرات، نرخ بیکاری در سطح پایینی قرار دارد.

### فهرست منابع

۱- آذر، عادل، و منصور مومنی، *آمار و کاربرد آن در مدیریت*، جلد دوم، تحلیل آماری، سمت، ۱۳۸۰.

2- Bailey, Paul, et al. , *Multinationals and Employment*, International labour office (ILO) , Geneva, 1993.

- 3- Boughzala, Mongi, "Impact on Workers of Reduced Trade Barriers: The Case of Tunis and Morocco", *International labour Review*, vol. 136, No. 3, 1997.
- 4- Daniels, John D. , "Emerging Economies and the Challenge of Globalization", *Globalization, the Multinational Firm*, Volume 10, 2000, JAI/Elsevier Inc.
- 5- Dunning, John H. , *Globalization, Trade, and Foreign Direct Investment*, Elsevier ITD, 1998.
- 6- Foreign Policy (Magazine) , Washington, D. C, 2001: *Measuring Globalization*.
- 7- Foreign Policy, Washington, D. C, 2002: 2002 Globalization Index.
- 8- ILO, *World Employment Report 1995*, Geneva.
- 9- ILO, *Yearbook of labor Statistics*, different years.
- 10- IMF, *World Economic Outlook*, Washington, D. C, 1997.
- 11- Jungnickel, Rolf, "Recent Trends in Foreign Direct Investment", *Multinationals and Employment*, ILO Geneva, 1993.
- 12- Lee, Eddy, "Globalization and Employment: Is anxiety Justified?" *International labour Review*, vol. 135, No. 5, 1996.
- 13- Lee, Eddy, "Overview", *International labour Review*, vol. 134, No. 4-5, 1995.
- 14- Parisotto, Aurelio, "Direct Employment in Multinational Enterprises in industrialized and Developing Countries in the 1980s: Main Characteristics and Recent Trend", *Multinationals and Employment*, ILO, 1993.
- 15- Sachs, Jeffrey, "Globalization and Employment", *International Institute for labour studies*, ILO, 2002.
- 16- World Bank, *Global Economic Prospects and the Developing Countries*, Washington, D. C, 1996.
- 17- World Bank, *World Development Indicators*, different Years.
- 18- Yaprak, Attila & Hulya Tutek, *Globalization, The Multinational firm, and Emerging Economies*, 2000, JAI/Elsevier Inc.



جدول ۲- ماتریس همبستگی

	میانگین	انحراف معیار	CV	شماره مشاغل	شاخص همبستگی
میانگین	۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳
انحراف معیار	۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳
CV	۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳
شماره مشاغل	۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳
شاخص همبستگی	۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳	۳۳۳۳۳۳۳۳۳۳

میانگین

انحراف معیار

CV

شماره مشاغل

شاخص همبستگی

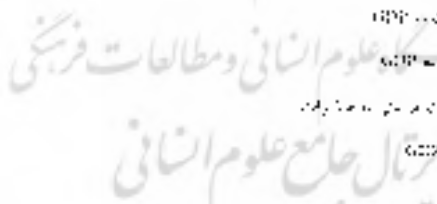
میانگین

انحراف معیار

CV

شماره مشاغل

شاخص همبستگی



گرایش اقتصادسنجی و آمار

موسسه آموزشی و پژوهشی دکتر محمدعلی باقری

گرایش اقتصادسنجی و آمار

موسسه آموزشی و پژوهشی دکتر محمدعلی باقری

گرایش اقتصادسنجی و آمار

موسسه آموزشی و پژوهشی دکتر محمدعلی باقری

گرایش اقتصادسنجی و آمار

موسسه آموزشی و پژوهشی دکتر محمدعلی باقری

گرایش اقتصادسنجی و آمار

AN	انحراف معیار
CV	شاخص همبستگی
MA	میانگین
MS	میانگین
SD	انحراف معیار
SE	انحراف معیار
ST	انحراف معیار
TK	انحراف معیار
VE	انحراف معیار

AN	انحراف معیار
CV	شاخص همبستگی
MA	میانگین
MS	میانگین
SD	انحراف معیار
SE	انحراف معیار
ST	انحراف معیار
TK	انحراف معیار
VE	انحراف معیار